



سامبا با چکمه!

معرفی هیچ تیمی در بین تیم‌های حاضر در جام جهانی برای فوتبالدوستان به اندازه برزیل ساده نیست. اگر بخواهیم یک کشور را به عنوان نماد جام جهانی فوتبال معرفی کنیم، بی تردید نمی‌توان گزینه‌ای را بهتر از برزیل در ذهن تصور کرد؛ پرافتخارترین نیم تاریخ رقابت‌ها با پنج قهرمانی و تنها تیم ملی تاریخ فوتبال که در هر ۲۳ دوره اخیر رقابت‌ها حاضر بوده است. برزیل چه با پیروزی‌های بزرگش در دوره‌های ابتدایی جام و چه با شکست‌های تلخش چون فاجعه ماراکانا در سال ۱۹۵۰ و باخت تاریخی خانگی مقابل آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴، بخش بزرگی از تاریخچه ورزشی و مردمی جام جهانی را رقم زده و به عنوان فاتح همیشگی جام ژول ریمه، تحت هر شرایطی و با هر معیاری، همواره مدعی قهرمانی خواهد بود. این بار و ۲۴ سال پس از آخرین قهرمانی در جام جهانی، برزیل برای نخستین بار در تاریخ خود، با یک سرمربی غیربومی یا به جام جهانی خواهد گذاشت و کارلو آنچلوتی ایتالیایی که همه چیز را در فوتبال باشگاهی فتح کرده، مأموریت سخت بازگرداندن جام قهرمانی به سرزمین قهوه را برعهده گرفته است؛ مأموریتی که هرچند با این نسل و با وجود ستارگان مختلف راحت به نظر نمی‌رسد، اما همه آن چیزی است که مردم برزیل را در خرداد و تیرداغ آمریکا متحد خواهد کرد.

نحوه صعود چگونه بود؟



برزیل که همواره کار راحتی برای صعود به جام جهانی داشته، این بار خوش اقبال بود که سهمیه نیم‌های آمریکای جنوبی با توجه به افزایش تعداد تیم‌های جام از ۳۲ به ۴۸ افزایش پیدا کرد. در مقدماتی ۱۰ تیمی آمریکای جنوبی که از آن شش تیم به طور مستقیم و یک تیم از طریق پلی‌آف صعود می‌کردند، برزیل به شکل نه‌چندان قانع در رده پنجم قرار گرفت و نتوانست چندین عملکرد دلچسبی برای هواداران فوتبال ملی در این کشور داشته باشد. در طول مرحله مقدماتی، مربیانی چون دوریوال چونوئرو و خود کارلو آنچلوتی حضور پیدا کردند اما در نهایت صعود به جام جهانی ۲۰۲۴، با کسب تنها ۸ برد از ۱۸ بازی رقم خورد. اگر شرایط مقدماتی در آمریکای جنوبی مثل دوره‌های گذشته برای برزیل باید در پلی‌آف حضور پیدا می‌کرد و هواداران میلیونی فوتبال در مهد این رشته منتظر این هستند تا برزیل در طول جام، عملکرد بهتری نسبت به مرحله مقدماتی داشته باشد.

بازگشت به آمریکا

برزیل با درخشش خود در دوره‌های مختلف جام جهانی، تاریخچه این مسابقات را شکل داده و معمولاً در دوره‌هایی که به میزبانی قاره آمریکا برگزار شده، عملکرد درخشانی داشته است؛ اولین قهرمانی برزیل، سال ۱۹۵۸ با درخشش پله ۱۷ ساله در سوئد به دست آمد اما پس از آن قهرمانی‌های برزیل در شیلی، مکزیک، آمریکا و ژاپن رقم خورد. برزیل که در دوره‌های ۲۰۰۶، ۲۰۱۰، ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ در مرحله یک چهارم نهایی حذف شده و همچنین خاطره شکست ۷ بر یک در نیمه‌نهایی ۲۰۱۴ مقابل آلمان در خانه پرباشان زنده است، پس از قهرمانی در نخستین جام جهانی به میزبانی آمریکا در سال ۱۹۹۴ بار دیگر به این کشور برمی‌گردد؛ جایی که پس از تساوی بدون گل مقابل ایتالیا در فینال و پس از پناالتی ای که روبرتو باجو هدر داد، برزیل به چهارمین قهرمانی جهان رسید. نکته خاطره‌انگیز این قهرمانی، فتح جام جهانی از سوی بازیکنان فوتبال برای زننده نابغه برزیلی بود. دو ماه قبل از اولین بازی برزیل در جام ۹۴ و در حاشیه دیدار دوستانه با پاری سن ژرمن، ایترو سنا قهرمان برزیلی فرمول یک در اردوی تیم حضور پیدا کرد و ۱۱ روز بعد در یک حادثه ترابری، جاننش را از دست داد تا در جشن قهرمانی، بازیکنان به او ادای احترام کنند.

مدل بازی برزیل چگونه خواهد بود؟



آنچلوتی تاکنون تنها در ۱۰ بازی سرمربی برزیل بوده و نمی‌توان قضاوت دقیقی درباره مدل بازی و تاکتیک‌های سلسلوات داشت اما احتمالاً برابر تیم‌های ضعیف‌تر، مدل بازی برزیل ۴-۲-۲-۱ باشد که در فقایقی از بازی به سیستم ۴-۲-۴ نیز تبدیل خواهد شد. در دو بازی اخیر دوستانه مقابل فرانسه و کرواسی، کارلو آنچلوتی در نخستین بازی از سیستم ۴-۲-۲-۱ و در بازی دوم از سیستم ۴-۲-۳ استفاده کرد و همچنان نتوانسته ترکیب اصلی و ایده‌آل خود را برای حضور در جام جهانی پیدا کند.

هویت «برزیلی بودن» در خطر؟

حالا برزیل وارد دوره عجیبی شده است. از یک سو، بهترین بازیکنانش از ۱۶ سالگی به اروپا می‌روند و سبک اروپایی را می‌آموزند. از سوی دیگر، فاولاها به تولید استعداد ادامه می‌دهند، اما استعدادهایی که دیگر «برزیلی» بازی نمی‌کنند. آنها مثل یک هافبک آلمانی پاس می‌دهند و مثل یک مدافع هلندی پرس می‌کنند. دریل، شوت از راه دور، پشت پا و دیگر عناصر «جینگو» می‌روند که به موزه سپرده شوند. شاید اکنون وقت آن رسیده که بپذیریم، فوتبال برزیل برای بقای هویت ملی، گاهی باید بیازد اما هرگز نباید «خودش» نباشد. و به قول یک هوادار قدیمی فلانمیکو در بار معروف کوپاکابانا: «ما می‌توانیم ۱۰۰ باریزم. اما اگر یک دریل عقابی به خورد مدافع حریف بدهیم، آن شب را با لیخند به صبح می‌رانیم. شاید من در یک حرکت است، نه در جام.» شاید این، خلاصه تمام هویت برزیلی باشد. در کشوری که تقریباً همه چیز خراب است، ذوق زدن یک دریل می‌شود آخرین سنگر «حس ارزشمندی» و این، هم بزرگترین نقطه قوت برزیل است و هم بزرگترین فاجعه‌اش.

Group C

برزیل

بیست و سومین حضور در جام جهانی

سرمربی: کارلو آنچلوتی (ایتالیا)

کاپیتان: مارکینیوس

بهترین عملکرد: قهرمانی (۱۹۵۸، ۱۹۶۲، ۱۹۷۰، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۲)

رتبه در رده‌بندی فیفا: ۶

ستارگان: رافینیا (بارسلونا)، وینیسیوس جونیور (رئال مادرید) و کاسمیرو (منچستر یونایتد)

برنامه بازی‌ها:

یکشنبه ۲۴ خرداد: برزیل - مراکش ۱:۳
شنبه ۳۰ خرداد: برزیل - هائیتی ۴:۰
پنجشنبه ۴ تیر: اسکاتلند - برزیل ۱:۳



در سرزمین قهوه، پاهای برهنه و امید

جایی که فوتبال دیگر فقط یک بازی نیست

خود را از دست داد اما مردم برزیل نه به خاطر سقوط اقتصادی، که به خاطر آن ۷ گلی که توپ از خط دروازه عبور کرد، به خیابان‌ها ریختند و گریستند. چرا؟ چون در برزیل، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به اندازه نرخ خوشحالی بعد از یک پیروزی فوتبال مهم نیست. تیم ملی این کشور، آخرین سنگر «حس موفقیت» برای مردمی است که قرن‌هاست در فقر ساختاری نفس می‌کشند.

اقتصاد نابرابر، فوتبال برابر

باید از یک واقعیت تلخ آغاز کنیم: برزیل یکی

از نابرابرترین جوامع جهان است. در همین کشور، ۱۵ میلیون نفر در فاولاها (زاغه‌ها) زندگی می‌کنند، بدون دسترسی به فاضلاب، جمع‌آوری زباله و گاهی بدون لوله‌کشی آب. و در همین فاولاهاست که فوتبال، به عنوان «ارزان‌ترین داروی ضد درد»، متولد می‌شود. یک پسر ۸ ساله در فاولای روشینیا (بزرگترین زاغه آمریکای لاتین با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) از صبح تا شب با توپی که از جوراب و روزنامه ساخته، مقابل دیوار تمرین می‌کند. او هیچ وقت مربی ندارد، هیچ زمین چمنی ندیده و اغلب با پای برهنه بازی می‌کند. او نمی‌داند «پرستینگ» یا

خروج از استادیوم، باز هم سفیدپوست ساوتاپولو به ویلای خودش می‌رود و سیاهپوست به فاولا میانگین شهری است)، این پسر یکی از این دو سرنوشت را خواهد داشت، یا به قاچاقچیان مواد مخدر می‌پیوندد و یا به آکادمی فوتبال یکی از باشگاه‌های بزرگ ریو راه پیدا می‌کند.

فاولاها: کارخانه تأمین استعداد

واژه «فاولا» را نمی‌توان از فوتبال برزیل جدا کرد. این زاغه‌های شیب‌دار، که بر فراز تپه‌های ریو دو ژانیرو و ساوتاپولو گسترده شده‌اند، بهشت معتادان و جهنم ساکنان شان است اما همین آرزوهای اجتماعی می‌شود. نکته غم‌انگیز اینجاست، از میان هر ۱۰ هزار پسر که در فاولاهای برزیل فوتبال بازی می‌کنند، شاید یک نفر به قرارداد حرفه‌ای می‌رسد. ۹ هزار و ۹۹۹ نفر دیگر، همان زندگی آواره را ادامه می‌دهند، با این تفاوت که زانوهایشان فرسوده است و هیچ مهارت دیگری ندارند اما آمار برای یک جامعه‌شناس مهم است، نه برای مادری که پسرش را هر غروب تا در آکادمی اسکورت می‌کند. برای او، همین یک درصد شانس، ارزش چندین سال کار در کارخانه را دارد. فوتبال در برزیل به همین دلیل «امید آخر» شده، چون فوتبال وعده رستگاری در همین جهان و در همین دهه را به خانواده‌ها می‌دهد.

فرار به سوی جشن

به جای مواجهه با ترزادی

جامعه‌شناس معروف برزیلی، گیلبرتو فریر نظریه‌ای مطرح کرد: برزیل کشوری است که بر اساس «ژادپرستی ملایم» و «اختلاط اجباری» ساخته شده. در برزیل، سفیدها، سیاهپوستان و نژادها همیشه در کنار هم زندگی کرده‌اند، اما در سلسله‌مراتبی که سفید در رأس و سیاه در قعر بود. این نظام «نابرابری بدون حصار»، فرهنگی تولید کرده که زرآن، همزیستی مسالمت‌آمیز و بی اعتراض» ارزش است. تیم ملی برزیل، آینه تمام‌نمای همین فرهنگ است. در رختکن تیم ملی، بازیکنی از طبقه فوقانی سفیدپوست ساوتاپولو کنار بازیکنی از فاولاهای سیاهپوست سالوادور می‌نشیند. هیچ مراسم خاصی برای ادغام آنها برگزار نمی‌شود. فقط پیراهن زرد را می‌پوشند و وارد زمین می‌شوند و به طرز عجیبی، تفاوت طبقاتی برای ۹۰ دقیقه نادیده می‌شود اما به محض خود ندانسته باشد.



- **حقایق جذاب و نکاتی که شاید نمی‌دانستید**
- تیم ملی برزیل سرشار از داستان‌های حاشیه‌ای و رکوردهای عجیب است که خواندن آنها خالی از لطف نیست:
- **تغییر رنگ پیراهن، از ترس نحسی:** برزیل تا سال ۱۹۵۰ پیراهن سفید یا یقه آبی می‌پوشید. پس از شکست تلخ مقابل اروگوئه در فینال، این لباس «فقرین شده» تلقی شد. یک مسابقه ملی برای طراحی لباس جدید برگزار شد و طرح زرد با حاشیه سبز (برگرفته از پرچم کشور) برنده شد تا از آن زمان به بعد، برزیل به «قناری‌ها» معروف شود.
- **کشور صادرات بازیکن:** برزیل بزرگترین صادرکننده فوتبالیست در جهان است. در هر کجای دنیا، از لیگ‌های متصل اروپایی تا لیگ‌های شرق آسیا و خلیج فارس، محال است تیمی را پیدا کنید که یک برزیلی در ترکیب خود نداشته باشد.
- **رودکی که شکسته نمی‌شود:** برزیل تنها تیمی است که در تمامی ۲۲ دوره جام جهانی حضور داشته است. آلمان با دو غیبت در رده بعدی است. این ثبات نشان‌دهنده چشمه جوشان استعداد در این سرزمین است.
- **پله و سه جام جهانی:** ادسون آراتنژ دو ناسیمنتو (پله)، تنها بازیکن تاریخ فوتبال است که سه بار بر سکوی قهرمانی جام جهانی ایستاده است؛ رودکی که بعد به نظر می‌رسد به این زودی‌ها جابه‌جا شود.
- **جنگ به احترام فوتبال متوقف شد:** در سال ۱۹۶۹، زمانی که پله و تیم باشگاهی اش (سانتوس) برای انجام یک بازی دوستانه به نیجریه رفتند، دو طرف درگیر در جنگ داخلی این کشور، ۴۸ ساعت آتش‌بس اعلام کردند تا بتوانند بازی پادشاه فوتبال را تماشا کنند.

عصر جدید و چالش بازگشت به شکوه

اگرچه برزیل از سال ۲۰۰۲ به بعد در حسرت کسب جام جهانی مانده و شکست‌های تلخی نظیر باخت ۱-۰ مقابل آلمان در سال ۲۰۱۴ را تجربه کرده است، اما هرگز از قامت یک مدعی خارج نشده است. نسل جدید فوتبال برزیل با رهبری بازیکنانی نظیر وینیسیوس جونیور و رودریگو، تلاش می‌کند تا دوباره آن فوتبال تهاجمی و چشم‌نواز را با استانداردهای مدرن ترکیب کند. برای دنیای فوتبال، یک برزیل قدرتمند به معنای زیبایی بیشتر مسابقات است. وقتی زردپوشان در زمین می‌رقصند، گویی روح فوتبال در کالبد مسابقات دمیده می‌شود. برزیل فقط یک تیم ملی نیست؛ برزیل «خود فوتبال» است. میراثی که از کوزه‌های فقیرنشین «فاولا» آغاز می‌شود و در بزرگترین استادیوم‌های جهان به کمال می‌رسد، پیامی روشن دارد: فوتبال یعنی شادی، و هیچ‌کس به اندازه برزیلی‌ها راه شاد کردن دنیا با یک توپ چرمی را بلد نیست.

محمد رضا رحیم پور در هیچ جای دیگری از جهان، یک تیم ملی اینگونه بار هویت یک کشور را به دوش نمی‌کشد. در آلمان، فوتبال کارآمدی صنعتی را بازنمایی می‌کند. در آرژانتین، عصیان و نوستالژی. در ایتالیا، دفاع تاکتیکی اما در برزیل، فوتبال چیزی فراتر از ورزش است، یک نظام جایگزین تأمین هویت، در کشوری که دولت‌ها قرن‌هاست در تأمین هویت جمعی شکست خورده‌اند.

در سال ۲۰۱۴، برزیل مقابل آلمان ۱-۰ باخت. اقتصاد آن سال فقط ۰.۵ درصد رشد کرد. نرخ بیکاری به ۶.۸ درصد رسید. رئال ۱۲ درصد از ارزش

رقص سامبا در مستطیل سبز

چرا برزیل قلب تپنده فوتبال جهان است؟

فرخ حساسی/ فوتبال در برزیل فراتر از یک ورزش، یک دین، یک زبان مشترک و بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی است. برای مردم این سرزمین، توپ فوتبال حکم قلمی را دارد که با آن داستان‌های حماسی خود را بر پهنه چمن می‌نویسند. برزیل تنها کشوری است که در تمامی دوره‌های جام جهانی حضور داشته و با پنج عنوان قهرمانی، بر تارک فوتبال جهان می‌درخشد. اما چه چیزی «سلسائو» (لقب تیم ملی برزیل) را از دیگران متمایز می‌کند؟ در این مطلب، به بررسی تاریخچه پرفراز و نشیب و نکات شگفت‌انگیز این تیم می‌پردازیم.

از فقر تا پادشاهی: ظهور یک قدرت جهانی

تاریخ فوتبال برزیل را می‌توان به پیش و پس از سال ۱۹۵۸ تقسیم کرد. تا پیش از آن، برزیل تیمی بااستعداد اما بی‌بازنده‌ای تلقی می‌شد؛ به ویژه پس از فاجعه «ماراکانازو» در سال ۱۹۵۰ که در خانه بازی را به اروگوئه واگذار کردند و کل کشور در شوکی عظیم فروفت. اما ظهور نوجوانی ۱۷ ساله به نام «پله» در جام جهانی ۱۹۵۸ سوئد، همه چیز را تغییر داد.

برزیل در آن سال با ارائه بازی‌های هجومی و تکنیکی، اولین جام جهانی خود را فتح کرد و به اولین تیم غیراروپایی تبدیل شد که در خاک اروپا قهرمان می‌شود. این آغاز دوران طلایی بود که با قهرمانی در سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰ ادامه یافت. تیم استاد ۱۹۷۰، با حضور ستارگانی چون پله، رولینو و جرزینیو، هنوز هم از سوی بسیاری از کارشناسان به عنوان «بهترین تیم تاریخ فوتبال» شناخته می‌شود؛ تیمی که فوتبال را به یک اثر هنری بدل کرد.

ژوگو بویتو: فلسفه «بازی زیبا»

اصطلاح «ژوگو بویتو» (Joga Bonito) یا همان «بازی زیبا»، نخستین بار توسط پله برای توصیف سبک بازی برزیل به کار رفت. این فلسفه بر پایه خلاقیت فردی، بدیهه‌پردازی در زمین و لذت بردن از بازی بنا شده است. برزیلی‌ها معتقدند بردن به هر قیمتی ارزش ندارد؛ پیروزی باید با رقص، لبخند و حرکات نمایشی همراه باشد.

این سبک از زمین‌های خاکی و فوتبال خیابانی (فوتسال) نشأت می‌گیرد. جایی که بازیکنان یاد می‌گیرند در فضاهای کوچک، با دریبل‌های ریز و کنترل توپ خیره‌کننده، حریف را از پیش رو بردارند. ستارگانی نظیر گاریشکا، روالدینیو و نیمار، تجسم زنده این فلسفه هستند که با حرکات خود، تماشاگران را به وجد می‌آورند.

یورش به قله‌های جهان: مرور پنج ستاره طلایی

- هر ستاره روی پیراهن برزیل، داستانی از یک حماسه است:
۱. **۱۹۵۸**: سوئد؛ معرفی پله به جهان و طلسم‌شکنی در اروپا.
 ۲. **۱۹۶۲**: شیلی؛ قهرمانی مقتدرانه حتی با وجود مصدومیت پله؛ جایی که بازیکنان با نمایش‌های جادویی‌اش جهان را می‌هوت کرد.
 ۳. **۱۹۷۰**: مکزیک؛ تثبیت پادشاهی فوتبال با سومین قهرمانی و تصاحب همیشگی جام ژول ریمه.
 ۴. **۱۹۹۴**: آمریکا؛ بازگشت به اوج پس از ۲۴ سال دوری از جام، با درخشش زوج روماریو و بتو و پیروزی در ضربات پنالتی مقابل ایتالیا.
 ۵. **۲۰۰۲**: کره و ژاپن؛ نمایش خیره‌کننده «سه R» (رونالدو، ریوالدو و روالدینیو) که منجر به کسب پنجمین جام با رکورد صدرمد پیروزی در تمامی مسابقات شد.

مرد ایتالیایی باز هم وینیسیوس را زنده می‌کند؟

مرح کردن کلیدی‌ترین بازیکن ترکیب برزیل یکی از سخت‌ترین کارهای ممکن محسوب می‌شود اما در شرایطی که هنوز تکلیف حضور یا عدم حضور نیما به دلیل شرایط نه‌چندان مناسب جسمی‌اش مشخص نیست، باید وینیسیوس جونیور را ستاره اصلی برزیل در نظر گرفت. ستاره‌ای که در فصل اخیر شرایط آرمانی گذشته را نداشته اما در چهار فصلی که زیر نظر کارلو آنچلوتی در رئال به میدان رفت، تا استانه کسب توپ طلا هم پیش رفت و با گلزنی در دو فینال لیگ قهرمانان اروپا برای رئال کارلئو، فوق‌ستاره اصلی تیم او بود. وینیسیوس در دوران حضور دوریوال جونیور روی نیمکت برزیل، شرایط خوبی داشت اما اگر یک نفر بتواند در بین سرمربیان جهان وینیسیوس را به فرم آرمانی برساند، آن سرمربی کسی نیست جز کارلو آنچلوتی. البته که زوج‌سازی او و رافینیا، با تکیه بر کیفیت دیگر ستارگان خط حمله از جمله اندریک، استوانو، مارینیلی و ماتئوس کنیا نیز شرایط بسیار بالایی خواهد داشت و باید دید آنچلوتی چطور شرایط ستارگان تیمش را در خط حمله به یک تعادل می‌رساند.

